

بهترین و دلبرترین و مهربانترین
چهار
واقع شدن نیست «فلاسفه»

شکر

در

چلیبیت؟

شکفتی

در چیست؟

از :

مقام صالحی ازین

این کتاب :

به مناسبت نیمه شعبان

— درده هزار نسخه

— در چاپخانه خراسان مشهد

— در شهریور ماه چهل و نه به چاپ رسید •

کلیه حقوق محفوظ



بد :

راد مردان

آزاد اندیشان

پژوهشگران

آنان که جاود گر حقایقند .

آنان که دیدی وسیع دارند و خواهان

سعادت دیگرانند .

آنان که در راه روشنفکری انسانها از پا

نمی نشینند ، و آنان که طلسم بدعتها را با ،

بیان شیرین خود در هم می شکنند ،

تقدیم می شود

فهرست

صفحه	
۵	پیام ما
۷	تشکر و تقدیر
۱۱	سخنان کوتاه
۱۶	مقدمه
۲۳	طول عمر وزیست شناسان
۲۸	نوامیس طبیعی
۳۱	واقعیات تاریخ - کهنسالان
۳۸	طول عمر و خدا شناسان
۴۵	طول عمر حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۵۸	ارزیابی سخنان « باب »
۶۷	سخن آخر

پیام ما:

ای انسان که خود را از همه چیز برتر
می دانی و بر هر چیز برتری می جوئی ، بیا و در
پذیرش ایده ها ، خویشتن را بر تراز آن بدان
که به پرستش بت های رنگارنگ پردازی و تسلیم
هر مکتب ناشناخته ، شوی !!

آری ، تو برتری ، بر تر از آنچه
می اندیشی !! حافظ برتری و امتیاز خویش باش
که علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید :
« ای انسان ،

بنده دگران مباش که خدا ترا آزاد
آفریده است »

اینک بیا و طاسم بت پرستی را در هم شکن
وزنجیر اسارت بیگانگان را از پیکر عقل خویشتن
گسیخته دار تا همای سعادت ابدی بر فراز کاخ
هستی ات جاود گری کند .

به امید آن روز

تشکر و تقدیر

جای بسی خوشوقتی و امیدواری است که در جامعهٔ
بهاثیت افرادی منصف به چشم میخورند که واقعاً با شهامت
و شجاعتند، به سخنان دوست و بیگانه با خونسردی کامل
گوش فرامی دهند؛ به گفتگو می پردازند، مطالعه می کنند،
با شناس و نا شناس رفت و آمد و نامه نگاری می نمایند تا
سر انجام راه را از چاه باز می شناسند آنوقت است که از
شادی و مسرت در پوست نمی گنجند حال دیگر اسیر شهوت
و غضب، گرفتار هوی و هوس و در بند سخنان پوچ گذشته

نیستند، آنچه در آنان جلوه‌گری دارد حق و حق پستی
و عبادت و بندگی و در نتیجه ارتقاء بدرجات عالیة انسانی
است آری:

رسد آدمی به جائی که فرشته ره ندارد

بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت!

اگر محظور اخلاقی در میان نبود - برای اثبات این

موضوع - چند نامه از نامه های شکفت آور بهائیان را که

در اثر تحقیق، محرمانه بما نگاشته‌اند نقل می‌کردیم...



همین الان که سرگرم بررسی شهادت و آزاد

فکری برخی از افراد روشنفکر بهائی هستم دو نامه پستی

به من دادند که هر دو از آقایان بهائی است یکی از تهران

و دیگری از مشهد، اولی اجازه خواسته بود با ما مکاتبه

دوستانه داشته باشد و دومی که شخصیت برجسته ای است

از دوستان دیرینه پستی ما بود که مرتباً با صندوق شماره

۶۱ مشهد مکاتبه داشت ، ایشان ضمن تشکر و سپاسگزاری فراوان از اینکه به نامه‌هایش جواب داده شده تبری نامه خود را از مرام بابت و بهائیت ارسال داشتند و متقاضی بود که تاخیر ثانوی از پخش تبری نامداش خود داری به عمل آید ، البته اطاعت میشود.



آری دیگر بانوان و آقایان روشنفکر بهائی حاضر نیستند به عباراتی نظیر «کورشو تا جمالم بینی و کور شو تا لحن و صوت ملیحم را شنوی ، جاهل شو تا از علم نصیب بری ...» (۱) گوش فرادهند. شایان تقدیر است ، که پا را فراتر می نهند و گوش و چشم و فهم و عقل را بیشتر به کار می اندازند تا حقایق جهان را درک نمایند - با اینکه زعمای بهائیت رسماً چنین عمل عاقلانه را تحریم کرده اند ولی گوش خردمندان دیگر بدهکار اینگونه

۱- کتاب مجموعه الواح تالیف میرزا حسینعلی بهاءالله

دستورات نیست -- لذا نامه های متعددی که بما رسیده
کاملاً نمایان است که گثیری از بهائیان نشریه «خدای
قرن اتم» و «آخرین پیشوا» را با دقت کامل مطالعه فرموده
و پس از تحقیق و تطبیق ضمن پاسخ ، تقاضای توضیح بیشتر
داشته و باز هم جویای نشریه دیگری بوده اند که بصیرت
افزاید و جهل و گمراهی بزداید .

در پایان ضمن اعلام آمادگی خود برای پاسخگوئی
مزید توفیقات دوستان محقق بهائی را در راه تحری حقیقت
آرزو مندیم .



نشریه حاضر ، بحث فشرده ای است در باره طول عمر
که از جهات گوناگون مورد بررسی قرار گرفته و امکان
طول عمر را با شواهدی زنده و براهینی استوار ، ثابت و
روشن می سازد . امیدواریم مورد پسند همگان قرار گیرد .

آنچه تعجب دارد:

مردن است، نه ماندن!!

مراك علت می خواهد ،

نه زننده ماندن !!

هرگز از دوست خود پرسیده‌اید :

چرا زننده‌ای ؟

اتم که سنک اول و اصلی بنای ماده می باشد جاوید است
و هرگز از بین نمی رود مشروط بر اینکه آن را از بین نبرند
سلول هم که سنک اول و اصلی بنای جانداران می باشد
جاوید است و هرگز نمی میرد مشروط بر اینکه غذا داشته
باشد و سرما و گرمای شدید سبب هلاکش نشود (۱)

یوری فیالکوف

استاد پلی تکنیک کیف در شوروی

انسان باید زنده و جاوید باشد
و هرگز نمیرد بدلیل این که سلول
جاندار زنده جاوید است (۱)

یوری فیالکوف

من قبول دارم :

« عوامل طبیعی پیری در شخص وجود دارد »

ولی یقین دارم:

« بسیاری از سلولهای بدن فناپذیر نیستند »

و این صحیح نیست که بگویند :

« این سلولهای جاویدان جمع شده و جسم مردهای را

به وجود آورده اند » (۱)

ژان روستاند

بیولوژیست معروف

۱- کتاب اولین دانشگاه و آخرین پیامبر جلد ۲ صفحه ۲۲۹

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابتدا می پرسیم آیا من و شما و

شناخت انسان دانشمندان دنیا انسان را از همه جهات

شناخته ایم یا اینکه دانشمندان جهان

به جای کتاب انسان شناسی کتابهایی از قبیل «انسان موجود

ناشناخته» (۱) برشته تحریر در میآورند؟

می گوید: «نمی دانم من در نظر جهان

نیوتن چگونه جلوه می کنم اما از نظر شخص

خودم مانند پسر بچه ای هستم که در

۱- تالیف دکتر الکسیس کارل

کنار دریا به بازی مشغول است، من مانند همان پسر بچه گاه
وبیگاه با پیدا کردن سنک ریزه صافتر یا گوش ماهی زیباتری
خود را مشغول می سازم در حالی که اقیانوس عظیم حقیقت
در مقابل من قرار دارد و اسرار آن نامکشوف، باقیمانده
است. « (۱)

اگر انسان از نظر انسان شناسی در مرحله کودکی و یا
دوران ناتوانی و نادانی است چگونه می تواند بطور قطع ادعا
کند که انسان نمی تواند عمر طولانی داشته باشد؟

از طرفی، وقتی در این جهان گوناگون

دو نفر از نظر استعداد فکری آنقدر

اختلاف دارند که یکی اینشتاین می شود

و دیگری که همزمان اوست یک عمل

جمع را نمی تواند انجام دهد چه می شود که در برابر این

گونه اختلافات فراوان که بر سر تاسر زندگی بشر

حکمرانان معتقد شده بگوئیم ممکن است عمر یکی صد

سال و دیگری هزاران سال باشد؟

۱- کتابهایی که دنیا را تغییر دادند تالیف رابرت بی. داوونز صفحه ۲۸۰

ذرات ژلانی کلوئیدی در دریاها

در عالم نباتات وجود دارند، که عمرشان بر حسب ثانیه

حساب می شود (۱) در برابر آنها

درختانی است که «در کالیفرنیا موجود است بعضی از این درختان

«۳۰۰۰ پا ارتفاع و «۱۱۰ پا محیط دور تنه دارند و عمر بعضی از آنها

از «۵۰۰۰ سال تجاوز می کند... مقطع تنه یک درخت از

نوع سیکویا یا جاجیجنتی «*Sequoia gigantea*» در موزه

تاریخ طبیعی «کنسینگتون» جنوبی... «S:Kensington»

وجود دارد که دارای «۱۳۳۵» حلقه یعنی همین قدر سال

است. (۲)

در کالیفرنیا یک نوع کاجی است به نام

کاج ۴۶۰۰ ساله پینوس آریستاتا «*Pinus aristata*»

که سالخورده ترین موجود زنده است

۱- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ج ۲ ص ۲۲۴

۲- داد گستر جهان ص ۲۲۶ بنقل از: *Our Wondrous World*

دائرة المعارف بریتانیا ج ۱۴ ص ۳۷۶

که پس از ۴۶۰۰ سال هنوز هم حیات دارد (۱)

با توجه به نمونه‌های مزبور هر خردمند با انصافی در می‌یابد که باید از تنگنای فکر محدود خود بیرون آید و در جهانی که قدرت نامحدودی بر آن حکمفرماست پاگذارد و از تعیین حدود مرز قطعی برای عمر موجودات صرف نظر کند و امکان بیشتری برای طول عمر قائل شود.

«ماهی‌هایی هستند در اقیانوس اطلس

(شمال اروپا) که عمر سه میلیون ساله

برای آنها برآورد کرده‌اند، و

همچنین مارهایی هستند که چند هزار

در عالم حیوانات

سال عمر دارند...» (۲)

ماهی چهارصد میلیون ساله در سواحل ماداگاسکار کشف

شد. (۳)

۱- داد گستر جهان ص ۲۲۶ بنقل از: دائرة المعارف آمریکائی

ج ۱۷ ص ۴۶۳

۲- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر جلد ۲ صفحه ۲۲۱

۳- همین کتاب بنقل از کیهان ۲۲ آذر ۴۳ شماره ۶۴۱۳۵

ادعا کرد که : «تك ياختگان مركو

وايزمن آلمانی ميرندارند و از راه تقسيم دو نيمه می شوند

و هر نيمه باز تقسيم می شود و اين

جریان برای همیشه ادامه دارد» (۱)

استاد پلی تکنیک «کیف» در شوروی

یوری فیالکوف مینویسد «در آزمایشگاهائی که

سلولها را برای آزمایش نگاه می دارند

هر چند یک مرتبه قسمتی زیاد از سلولهای جاندار را که تولید

شده، دور می ریزند و گرنه بزودی تمام آزمایشگاه پر از سلول

می شود و جائی برای دیگران باقی نمی ماند» (۲)

و نیز مینویسد :

«... چهل سال است که سلولهای جاندار در

آزمایشگاهها به زندگی ادامه می دهند و چهل سال عمر آنها از

روی تناسب به اندازه چند هزار سال عمر آدمی می باشد

و اگر آزمایشگاههای ما هزار سال هم از سلول جاندار نگاهداری

نمایند، آن سلول با تولید مثل به زندگی ادامه خواهد داد...» (۳)

۱- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر جلد ۲ ص ۲۲۶

۳۹۲- مجله خواندنیها شماره ۳۸ سال ۲۸ صفحه ۴۳

~~پس اندروشن شدن وضع دادگی تک~~

هاريسن ياختگان ادعائى بزرگتري کرده بقاي
موجودات مرکب را مطرح نمود و
برای اثبات آن سلولهای عصبی قورباغه را کشت داد ؛
« الکسیس کارل » معروف کارش را دنبال کرد و ادعای بقای
موجودات مرکب مطرح گردید . « (۱) »

باید دید طول عمر بشر از نظر قوانین

امادرباره زیست شناسی و نوامیس طبیعی چگونه
انسانها است ؟

آیا برهانی علمی و قانونی آزمایشی

وجود دارد که به اثبات محال بودن طول عمر منتهی شود ؟
برای روشن شدن مطلب تحقیقات علم زیست شناسی
و چگونگی قوانین طبیعت و واقعیات تاریخ را باید بررسی
کرد :

۱ - اولین دانشگاه و آخرین پیامبر جلد ۲ صفحه ۲۲۶ و ۲۲۷

طول عمر و زیست شناسان

می گویند : عمر بشر حد و اندازه ثابتی

زیست شناسان ندارد و در طبیعت همه گونه عمر بوده

و ممکن است باشد و این زمین دانشمند

آلمانی میگوید : « مرگ لازمه قوانین طبیعی نیست ، و در

عالم طبیعت از عمر ابد گرفته تا عمر يك لحظه ای ، همه نوعش

هست ، آنچه طبیعی و فطری است ، عمر جاودانی است بنابراین

افسانه عمر ۹۶۹ ساله متوشلخ Methuselah نه مردود عقل

است و نه مردود علم ، در همین دوره خود ما میزان طول عمر بالا

رفته و دلیلی ندارد که از این هم بالاتر نرود و يك روز نیاید که

بشر به عمر نهمصد ساله برسد . » (۱)

استاد دانشگاه کلمبیا درباره طول عمر

پروفسور میگوید : « حد و حصر سن و عمر مانند

هانری اسمیت دیوار صوتی است ، همچنانکه دیوار

صوتی امروز شکسته ، دیوار عمر نیز

روزی خواهد شکست » (۲)

۱- خورشید مغرب بنقل از «پانزده گفتار» نگارش استاد مجتبی مینوی

۲- اطلاعات شماره ۱۱۸۰۵ - ۲۰/۷/۴۴

می نویسد: «علم پزشکی مبحث بزرگی

دکتر هاووزر درباره جذب اغذیه دارد که به کمک

آمریکائی آن هر کس می تواند به سر چشمه

جوانی و طول عمر دست یابد . . .» (۱)

مجله الهلال از قلم يك دكتر انگلیسی می نویسد: «

برخی از دانشمندان توانسته اند عمر

حشره میوجات را به نهد بر افزایش دهند» (۲)

روی این قیاس اگر عمر طبیعی را ۸۰ سال در نظر بگیریم

امکان افزایش عمر آدمی به ۷۲۰۰۰ سال می رسد .

از دانشمندی نقل میکند که : در

مقام مقایسه عمر انسان با سایر

موجودات مطالعاتی فراوان کرده ثابت

نمود که بدن آدمی برای آن ساخته

اطلاعات

بانوان

شده که بیش از هزار سال عمر کند . (۳)

۱ - گذر نامه برای يك زندگی نوین ص ۲۷

۲ - مجله الهلال شماره پنجم ص ۶۰۷ مارس ۱۹۳۰

۳ - اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صفحه ۲۲۹ به نقل

از اطلاعات بانوان شماره ۳۱۱ صفحه ۲۲

سؤالی است که از پروفسور «بشس»

پیری را می توان
به تاخیر انداخت؟
فرانسوی می کنند و او در کتاب خود
به نام «امید بیک زندگی طولانی»

جواب مثبت داده است (۱)

حد متوسط عمر در قرن اخیر نسبت

عمر متوسط
به سابق تغییر قابل توجهی یافته است

مثلا :

در انگلستان در سال (۱۸۳۸ - ۱۸۵۴) حد متوسط

عمر در مردها (۳۹/۹۱) و در زنها (۴۱/۸۵) سال بوده است

در حالی که :

در سال ۱۹۳۷ عمر متوسط مردها حدود ۶۰ سال و زنها

حدود ۶۴ سال بوده است .

در آمریکا در سال ۱۹۰۱ عمر متوسط مردها حدود ۴۸

سال و در زنها حدود ۵۱ سال بوده است در حالی که :

در سال ۱۹۴۴ عمر متوسط مردها به ۶۳/۵ سال و برای

زنها به ۶۹ سال افزایش یافته است (۲)

۱ - اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ج ۲ صفحه ۲۳۰ بنقل از اطلاعات

۲۲ تیرماه ۴۴ - ۲ - کتاب داد گستر جهان صفحه ۲۱۵

در آتازونی در سال ۱۹۰۰ عمر متوسط مردم ۴۹ سال بوده
و اینک از ۷۰ متجاوز است (۱)

روزافزون بودن عمر متوسط آدمی که در نتیجه کوشش
دانشمندان زیست شناسی و علوم طبیعی با موفقیت انجام پذیر
است ، خوددلیلی قاطع بر امکان طول عمر انسان است که «اگر
عواملی از قبیل :

سیل داروهای مسموم کننده ،

سموم حاصله از غذاهای تقلبی ،

آلودگی هوای شهرها ،

تغییر ماهیت مواد خوراکی در اثر استفاده از کودهای
شیمیائی ، بدتر از همه زندگی در محیط بی بندوباری و آلوده به
فساد اخلاق ، عوامل کو بنده اعصاب و امثال آن در میان نبود
عمر متوسط انسان هم مافوق حد تصور می بود» (۲)

بنابراین توجه به اصول بهداشت موجب طول عمر می شود
و هر که بهتر رعایت کند بیشتر خواهد زیست

۱ - اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ج ۲ صفحه ۲۳۱

۲ - همین کتاب صفحه ۲۳۲ با تصرف و تلخیص

نوامیس طبیعی

در جهان هستی امور بردونوع است : **محال** : امکان ناپذیر ، **ممکن** : امکان پذیر ، **محال** به امری گویند که بهیچوجه واقع نشود و پذیرد نیاید مانند بودن و نبودن فرجی در **یک محل** ، **در یک لحظه معین** ، و یا اینکه کسی مدعی شود که **ممکن** است در زمان و مکان واحد هم نور باشد ، هم تاریکی امور ممکن نیز بردونوع است :

انواع ممکن ممکن عادی و ممکن غیر عادی .

ممکن عادی : اکثر کارهای مردم از نوع ممکن

عادی است که به نام (امر عادی یا طبیعی) نامیده میشود .

ممکن غیر عادی : برخی از کارها و حوادث روزگار

غیر عادی و یا به عبارت دیگر غیر طبیعی (خارق عادت) است

از قبیل : تولد دوبرادر چسبیده بهموزندگی ۶۴ ساله آنان! (۱)

باردار شدن دختر ۶ ساله و تولد پسری از او !! (۲)

۱ - مجله ستاره طوس شماره اول ۳۰ بهمن ۴۱

۲ - مجله اطلاعات هفتگی شماره ۱۱۵۷ - ۶ دیماه ۴۲

امکان بازدار شدن زنی بدون شوهر طبق اعلامیه ~~جمع~~

علمای پزشکی انگستان !! (۱)

کشف دو معدۀ مجزا در شکم يك مرد !! (۲)

چهار هزار دانه کنده از يك بوته !! (۳)

تأثیر فوری نیایش در شفای امراض چون سل استخوانی

وسرطان وغيره (۴)

حقایق مزبور اثبات می کنند که برخی از امور و حوادث،

ممکن غیر عادی است . و می توان گفت که : طول عمر برای

هر کس امری ممکن ولی غیر عادی (خارق عادت) است .

و طول عمر حضرت حجت علیه السلام در شمار امور ممکن غیر

عادی است و هیچگونه اشکالی را هم به بار نمی آورد و جای

شکفتی هم نیست !

۱ - مجله آسیای جوان شماره مسلسل ۳۰۹

۲ - کیهان پنجشنبه ۲۲ فروردین ۴۲ شماره ۵۹۱۷

۳ - روزنامه اطلاعات ۴۷/۲/۱۷

۴ - کتاب نیایش تألیف دکتر الکسیس کارل فیزیولوژیست

وزیست شناس بزرگ فرانسوی

واقعیات تاریخ
(کهنسالان)

بحث طول عمر باقطع نظر از تجویز علمی دانشمندان
در گوشه و کنار جهان هم جلوه‌گری کرده در سراسر تاریخ
دارای شواهد بی‌شمار است .

در حال حاضر شرح حال و عکس افرادی را در روزنامه‌ها
و مجلات داخلی و خارجی می‌بینیم که عمری بسیار طولانی
داشته‌اند از جمله :

روزنامه‌کیهان می‌نویسد : « کربلائی

علیشاه پیر مرد ۱۲۵ ساله با ۳۵ نوه **مرد ۱۲۵ ساله**

و نبیره عشق زنی را به دل گرفته و سخت

عاشق شده است وی در قریه توران رامیان از توابع گرگان
زندگی می‌کند و به شغل زراعت اشتغال دارد مانند جوانان
کار می‌کند و همیشه سالم و شاداب است...» (۱)

اطلاعات می‌نویسد: « آقای عباس

مرد ۱۳۱ ساله طاهری که پنجاه و یکمین سال تولد خود را جشن

گرفت و به این مناسبت جشن مفصلی بر پا کرد که همه نمایندگان

اهالی دهات و مناطق مختلف لنجان اصفهان در آن شرکت

داشتند وی راز طول عمر خود را پیاده روی زیاد می‌داند

و تصمیم دارد تا ۲۰۰ سال زندگی کند...» (۲)

روزنامه کیهان می‌نویسد: « پیر حسین

مرد ۱۳۵ ساله علوی پیر مرد ۱۳۵ ساله روزی ۱۴

ساعت در مزرعه کار می‌کند و می‌گوید:

« هر چه آرزوها کمتر باشد سلامت و آرامش بیشتر است و

۱ - کیهان ۲۱ آذر ۴۲ شماره ۶۱۱۹

۲ - روزنامه اطلاعات چهارشنبه ۱۲ دیماه ۴۱

من از آنها هستم که افسوس دیگران را نخورده‌ام و نمی‌خورم
۱۳۵ سال از عمرم می‌گذرد و مانند دوران جوانی کله سحر
از خواب بیدار می‌شوم و برای کار به مزرعه می‌روم و آفتاب
که غروب می‌کند برمی‌گردم ، بیشتر دندانهایم سالم است و
خوب غذا می‌خورم ... غم و غصه را به خود راه نمی‌دهم زنده
بودن و تلاش کردن ، برای من سرچشمه شادبهاست « (۱)

« خبر گزاریه‌ها اطلاع دادند که

مرد ۱۶۷ ساله سالخورده ترین مرد جهان در حالی

که حال او مثل همیشه خوب است

۱۶۷ سالگی خود را جشن گرفت .

شیر علی اوف در دهکده‌ای در کوهپای قفقاز نزدیکی
مرز ایران زندگی می‌کند ، او در زندگی لب به مشروب نزده
و سیگار هم نکشیده است و هرگز عملاً مریض نشده و اکنون
هم احساس پیری و خستگی نمی‌کند و در دید و شنوایی او اشکالی
پیدا نشده و او همچنین در هوای آزاد دهکده به کار مشغول
است . « (۲)

۱ - کیهان سه شنبه / ۲۰ مرداد ۴۳ شماره / ۶۳۱۰

۲ - روزنامه اطلاعات مورخه ۳۱/۲/۴۷

روزنامه کیهان می نویسد :

زن ۱۶۸ ساله « پیرترین زن جهان ۱۶۸ سال دارد

پیرترین زن جهان « هاتین نین »

است وی در سال ۱۷۹۵ در یکی از شهرهای کوچک ترکیه
واقع در مرز شوروی متولد شد و اکنون ۱۶۸ سال از عمرش
می گذرد .

« هاتین نین » هنوز نیز در شهر کوچک خود زندگی

می کند و کاملاً چابک و سلامت است .

وی معاصر « ویکتور هوگو » و « بالزاک » نویسندگان

معروف قرن نوزدهم و « پوچینی » و « بتیون » آهنگ سازان
شهر جهان بود ... » (۱)

افراد کثیری را معرفی کرد که طول

رادیو مسکو عمر داشته اند برای نمونه نام پنج

نفر از آنان را ذکر می کنیم :

« هنری جانکینز » انگلیسی ۱۶۹ ساله که تا سال ۱۹۵۶ زنده

بود

۱ - کیهان چهاردهم خرداد ماه ۴۲ شماره ۵۹۵۸/

« لوئیزا تروسکو » زنی که در سال ۱۷۲۶ میلادی
۱۷۵ سال داشت .

« تپس آ بزیپ » اهل روسیه که در سال ۱۹۵۵ میلادی ۱۸۰ ساله بود .
سید علی کوتاهی « ایرانی » در مارس ۱۹۵۹ میلادی
۱۸۵ سال از عمر او می گذشت .

سپس زن گمنانی را نام می برد که در دسامبر ۱۹۵۷
میلادی ۱۹۰ ساله بوده است (۱)

آری در دنیا معقرین (۲) فراوانی وجود داشته اند تا
جائی که کتابی به نام المعقرین به رشته نگارش در آمد است (۳)
فلاسفه گویند : بهترین دلیل بر امکان چیزی پیدایش
آن است .

-
- ۱ - پاسخ ما شماره ۶ بنقل از سالنامه شماره پنج
اطلاعات برای مزید اطلاع بهمان کتاب مراجعه فرمائید .
 - ۲ - معقرین یعنی افرادی که عمر طولانی داشته اند ،
 - ۳ - المعقرین تالیف ابو حاتم سجستانی این کتاب قبل
از تولد حضرت حجت (ع) تدوین یافته سر تا سر این کتاب
شرح حال افرادی است که عمر طولانی داشته اند .

با دیدن مردم پر عمر و خواندن شرح حال آنان این نتیجه بدست می آید که طول عمر امری است غیر قابل انکار به ویژه که هیچیک از دانشمندان در باره امتناع طول عمر و یا محال بودن آن سخن نگفته اند بلکه اکثراً امکان آن را اثبات کرده اند .

نا گفته نماند که این نوع اشکالات از طرف آنانی عنوان می شود که همه چیز جهان را با میزان نفس خویش می سنجند ، و این هم از محدودیت فکری که ناشی از عدم تحقیق کامل است سرچشمه می گیرد .

حال چنین افرادی چگونه می توانند در این گونه مسائل مهم نظر درست داشته باشند ؟ داورى بسا دانیان داد گر !

طول عمر و خداشناسان

گرچه با اعتقاد به قدرت لایزال پروردگار، اشکال و ایرادی در طول عمر برگزیده الهی نمی‌تواند باشد ولی باز هم دلائل خداشناسان بر اثبات طول عمر فراوان است.

در طول تاریخ ادیان الهی نمونه‌های بارزی از افراد کثیر السن به چشم می‌خورد که زمینه را برای پذیرش عمر هزار ساله و بیشتر ساده و هموار می‌سازد بطوری که جای هیچگونه تردید و ابهامی باقی نمی‌گذارد و می‌توان گفت که

خدا چنین نمونه های بارزی را نمایانده تا اگر روزی اراده اش
تعلق گرفت يك نفر را چندین قرن متوالی و متمادی زنده
نگهدارد جای هیچگونه استبعاد و شکی نباشد .
از آن قبیل است :

عزیر از رهبران طایفه بنی اسرائیل

داستان عزیر بود روزی وارد باغ شد ، درختان

راسبز و خرم دید که از بسیاری میوه

شاخه هایش بسوی زمین خم شده بلبلان بر روی شاخه ها نغمه

سراشی می کردند . قدری میوه چید و از باغ بیرون آمد ، در

راه در باره نشانه های قدرت خدای اندیشید ، سر راه به ویرانه های

رسید که آثار مرگ از هر جانب آن پدیدار بود ، سقفها خراب

شده ، خانه ها و اژگون گشته و اجساد مردگان در هر گوشه به

چشم می خورد ، به کنار دیواری تکیه داد و به فکر فرو رفت

اینک دنباله داستان را از زبان قرآن بشنوید :

می فرماید : « عزیر گفت : بحیرتم

که خدا چگونه باز این مردگان را

قرآن

زنده خواهد کرد ؟

خداوند اورا صدسال میرانید سپس زنده اش برانگیخت
و بدو فرمود که :

« چه مدت در ناک نمودی ؟ »

جواب داد : يك روز یا پاره ای از يك روز !!

خداوند فرمود : نه ، چنین نیست بلکه صدسال
است که به خواب مرگ فرو رفته بودی در طعام و نوشیدنی خود
نگر (۱) که هنوز تغییر نیافته است والاغ خود را بین (که
چگونه اعضایش از هم گسسته است) و ترا برای خلق حجت
قرار می دهیم که امر رستاخیز ما را انکار نکنند در استخوانهای
آن بنگر که چگونه در همش پیوسته و گوشت بر آن
پوشانیم .

چون این کار بر او روشن گردید ، گفت : همانا
اکنون به حقیقت و یقین می دانم که خدا بر هر چیزی
تواناست ، (۲)

۱ - بعضی از مفسران می نویسند ؛ طعامش انگور و انجیر

و نوشیدنی او شیر بود

۲ - سوره ۲ - آیه ۲۵۹

قرآن در باره اصحاب کهف ~~فرستاده~~

اصحاب کهف «اصحاب کهف سیصد و نه سال در

غار درنگ کردند ...»

«وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا» (۱)

قرآن دوران دعوت نوح را نهصد و

نوح پنجاه سال معین می فرماید: (۲)

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ

إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا (۳)

مسلم است چنانچه دوران پیش از بعثت و پس از طوفان

بدان افزوده شود عمر نوح بیش از هزار سال خواهد شد.

۱ - سوره ۱۸ آیه ۲۵ و ۲۶

۲ - میرزا حسینعلی بهاءالله هم در صفحه ۵ کتاب ایقان

بدین مطلب اعتراف دارد.

۳ - سوره ۲۹ آیه ۱۴۰

ہنگامی کہ ماہی یونس را فرو برد

یونس اوبہ تسبیح و تنزیہ پروردگار پرداخت

و در اثر همین عمل شایستہ اش از زندان

شکم ماہی رہائی یافت .

قرآن می فرماید : «اگر اوبہ ستایش و تسبیح خدا

نمی پرداخت تا قیامت در شکم ماہی زیست می کرد»

«فَلَوْلَا اِنَّهٗ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِيْنَ لَلَبِثَ فِيْ بَطْنِهٖ

اِلٰی يَوْمٍ يُبْعَثُوْنَ» (۱)

قرآن در بارہ حضرت عیسی می فرماید:

حضرت عیسی (ع) « نہ او را کشتند و نہ بہ دار زدند بلکہ

امر بر آنہا مشتبہ شد (۲)

«وَمَا قَتَلُوْهُ وَمَا صَلَبُوْهُ وَلٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ» (۲)

۱ - سورہ صافات آیہ ۱۴۳ و ۱۴۴

۲ - سورہ نساء آیہ ۱۵۷

طبق روایات معتبر اسلامی حضرت عیسیٰ ~~ص~~ پیام

حضرت حجة بن الحسن عليه السلام نزول می کند و از یاران آن حضرت محسوب خواهد شد .

آیا طول عمر حضرت عیسیٰ بیشتر است یا حضرت حجة عليه السلام؟
 تمام اینها نمونه های روشنی است بر امکان طول عمر
 شخصیتی که خداوند عمر او را طولانی کرده است چه تمام
 قوانین و نوامیس طبیعی محکوم خداست و او بر هر چیزی دانا
 و تواناست و ما آئیم که محکوم نوامیس طبیعت می باشیم،

و جای بسی تعجب است که باین عجز و ناتوانی و عمر
 محدود و کوتاه خود می خواهیم تمام امور را بآید سطحی
 خود بنگریم و با فکر محدود خویش دآوری کنیم ولی اگر از
 تنگنای خود بینی بیرون آئیم اعتراف خواهیم کرد که :

پشه کی داند که این باغ از کی است ؟

در بهاران زاد و مرگش در دی است

طول عمر حضرت مهدی علیه السلام

بہائیان با اینکه ایمان و اعتقاد به اصل

مقدمه « قائمیت اسلام » دارند ولی به منظور

حفظ موقعیت رهبرشان برواقعیت طول

عمر کہ با دلائل کافی و روشن از نظر خوانندگان گذشت خط

بطلان کشیده و بہ اشکال تراشی پرداختہ ، بہ بہانہ عدم امکان

طول عمر می کوشند کہ شخصی بہ نام میرزا علی محمد فرزند

میرزا رضای بزاز شیرازی را بہ جای قائم موعود اسلام

حضرت حجتہ بن الحسن (ع) معرفی کنند !

میرزا علی محمد در سال ۱۲۳۵ هجری

باب کیست ؟ در شیراز متولد شد وی پس از مختصر

تجصیل (۱) در مکتبخانہ شخصی

بہ نام شیخ محمد عابد کہ از فرقہ شیخیہ بود (۲) بہ بوشہر

رفت و در برابر آفتاب سوزان بوشہر بہ ریاضت های شاق

۱ - کتاب نظر اجمالی چاپ محفل بہائیان صفحہ ۱۲

۲ - کتاب تاریخ نبیل زرنندی چاپ محفل بہائیان صفحہ ۶۴

پرداخت (۱) دائیش حاج سیدعالی وضع اورا خطرناک دید
 لذا وی را بہ کربلا فرستاد ، وی بہ محض ورود، بہ درس
 سید کاظم رشتی کہ رہبر دوم فرقہ شیخیہ بود حاضر شد (۲)
 و بسا کمال جدیت ہرچہ استادش می فرمود یادداشت
 می کرد .

در سال ۱۲۵۹ سید کاظم رشتی در گذشت برخی از قبیل
 میرزا کریمخان کرمانی و میرزا شفیع تبریزی و زرین تاج
 قزوینی و میرزا علی محمد شیرازی نعمت رہبری فرقہ را
 ساز کردند و ہریک می کوشیدند کہ گروہی بد دور خود گرد
 آورند در اینجا بود کہ میرزا علی محمد خود را «باب»
 و نایب امام دوازدهم شیعیان حضرت حجت (ع) (۳)
 معرفی کردہ پس از چند سال مدعی قائمیت (۴)

-
- ۱ - کتاب تاریخ نبیل زرندی صفحہ ۶۶
 - ۲ - کتاب اسرار الآثار جلد ۱ صفحہ ۳۵
 - ۳ - کتاب مقالہ سیاح تالیف عباس عبدالبہاء امام اول
 بہائیان صفحہ ۳ و ۴
 - ۴ - کتاب ظہور الحق جزء سوم پاورقی ۱۷۳ چاپ محفل
 بہائیان و بیان فارسی تالیف میرزا علی محمد باب صفحہ ۹ و ۳۱

و سپس شارعیّت (۱) و سرانجام الوهیت و خدائیت (۲)

و پس از روبرو شدن با علمای اسلام کارش به رسوائی و افتضاح کشید تا آنجا که نوشت : « ... این بنده را مختصر علمی نبوده و نیست که منوط به ادعائی باشد

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ أَنْ يُنْسَبَ لِي أَمْرٌ... ، (۳)

میرزا علی محمد «باب» در اکثر آثارش

اعتراف «باب» اعترافات بسیار جالبی بر وجود، حیات،

غیبت و به ویژه طول عمر امام دوازدهم

شیعیان حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَامُ دارد که

بر خواننده اتمام حجت می کند و جای هیچگونه شك و ابهامی

باقی نمی گذارد . لطفاً توجه فرمائید :

۱ - مفاوضات تالیف عباس عبدالبهاء امام اول بهائیان

صفحه ۱۲۴ و بیان فارسی تالیف «باب» صفحه ۵۵

۲ - تاریخ صدرالصدور چاپ محفل بهائیان صفحه ۲۰۷

و لوح هیکل الدین تالیف «باب» صفحه ۵

۳ - کشف الغطاء تالیف ابوالفضل گلپایگانی چاپ محفل

بهائیان صفحه ۲۰۴ و ۲۰۵

حضرت محمد بن الحسن عليه السلام زنده است

«باب» در کتاب تفسیر سوره بقره خود می نویسد :

«إِنَّ أَلَّ اللَّهِ سَلَامٌ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي رُتْبَةِ جَمِهِمْ
الظَاهِرَةِ أَقْوَى جِسْمِهِمْ مِنْ أَفْئِدَةِ الْجَنَانِ
لَوْلَا يَفْنُهُمْ أَحَدٌ لِأَيُّوتُونِ لِأَنَّ أَجْسَادَهُمْ
كَانَتْ مُعْتَدِلَةً وَلَا يَجْبِرِي النَّغِيرُ لَهُمْ كَمَا
يَكُونُ ذَلِكَ الْحِجَّةُ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْسَنٍ حَيًّا...» (۱)

ترجمه : «براستی اهل بیت عصمت - درود خدا بر
آنان باد - در مقام ظاهر، جسمشان از دلهای بهشتیان قویتر
است چنانچه کسی ایشان را نمی کشت نمی مردند چه ، بدن
آن بزرگواران دارای اعتدال است و دیگر گونی در آنان راه ندارد
همچنانکه حجت خدا حضرت محمد بن الحسن (ع) زنده
است.»

۱ - تفسیر سوره بقره تالیف «باب» ذیل آیه :

و اذا نجيناكم من ال فرعون

مرزا علی محمد «باب» در کتاب

حضرت محمد بن عدلیه اش می نویسد : « رابع معرفت

الحسن (ع) امامت است و در این مقام بر کل

صاحب الزمان موجودات فرض است معرفت دوازده نفس

است مقدس که قائم مقام ولایت مطلقه بوده

باشند و اسما مقدسه ایشان که مرایای

هیان است اینست :

الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ
وَعَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْحُسَيْنُ
ابْنُ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةُ الْفَائِدُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ صَاحِبُ
الزَّمَانِ وَالْفَاطِمَةُ الصَّادِقَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

و این شمس عظمت و نجوم عزت در هر شأن قائم مقام

رسول الله ﷺ بوده اند... چگونه قلم به ذکر وصف ایشان

متحرك گردد؟ ...» (۱)

« باب » آثار مزبور را در سال

شگفتی (۱۲۶۰ هـ . ق .) تألیف کرده است.

در چیست؟ و از طرفی می دانیم که حضرت حجت

علیه السلام در سال (۲۵۵ هـ . ق .) قدم

به عرصه گیتی نهاده اند. لذا با يك نتیجه گیری منطقی و ساده

به این حقیقت غیر قابل انکار می رسیم که در سال (۱۲۶۰

هـ . ق .) از عمر شریف حضرت حجة بن الحسن

علیه السلام یک هزار و پنج سال می گذشته است.

این است عقیده « باب » در باره طول عمر

حضرت حجت (ع)

بنا برین باید پرسید: تعجب و شگفتی در

چیست؟

ولی شگفتی ما در این است که پیروان « باب » حکم

کاسه از آتش داغتر را به خود گرفته نه تنها توجه به نظر

دانشمندان علم زیست شناسی و قوانین طبیعت و واقعیات تاریخی

۱ - صحیفه عدلیه صفحه ۲۷ تألیف « باب »

ندارند بلکه به اعتقادات و اعترافات رهبر خودسان هم اعتنا
 ندارند و می گویند: « چگونه ممکن است يك نفر هزار
 سال عمر کند؟ » و می توان گفت که: در این مورد و برخی
 موارد دیگر رهبر خود را هم قبول ندارند و پذیرای
 سخن او نیستند و واقعاً هم جای شگفتی است!!

تنها «باب» نیست که اعترافات روشن

و آشکارا بر قانمیت حضرت حجت بن

الحسن العسكري عليه السلام دارد بلکه

لوح جابر

رهبران بهائیت هم بر این حقیقت معترفند مهمترین روایتی

که پیشتازان فرقه بابیه و بهائیه آنرا تأیید کرده اند حدیث

لوح جابر است که به نام لوح حضرت فاطمه علیها سلام هم

معروف و مشهور است .

لوحی که بعدها به لوح با حدیث جابر

لوح جابر چیست؟ شهرت یافت لوحی است که خداوند

با اهداء آن به آخرین سفیر خویش

اوصیاء و جانشینان آن بزرگوار را به همگان معرفی و اعلام

کرده است.

حضرت زهرا (ع) می فرماید : پدر گرانمایه ام آن لوح را به من عنایت فرمودند تا بدان وسیله بشارت داده و مرا به داشتن چنین فرزندان شاد کرده باشند .

سپس می فرماید : در آن لوح نام پدرم و همسرم و نور دیدگانم و جانشینان فرزندم حسین (ع) نقش بسته بود...

جابر بن عبدالله انصاری نخستین کسی است که لوح را دیده و با کسب اجازه نسخه برداری کرده است .

لذا در کتابهای روایتی - نظیر کتاب اصول کافی (۱) و بحار الانوار و امثال آن، لوح جابر - جلوه گری خاصی دارد و به نام حدیث یا لوح جابر مشهور شده است .

در این لوح نام ائمه اطهار (ع) یکی پس از دیگری با مشخصات قابل توجهی آمده است تا اینکه می رسد به نام شریف امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَامُ که میفرمایند :

۱ - اصول کافی از کتب معتبر روایتی شیعه است که مرحوم محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹) آنرا تألیف کرده است .

«... وَأَكْمَلُ ذَلِكَ بِأَبْنِهِ (محمد)، رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ
تَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَبِهَاءُ عَيْسَى وَصَبْرُ أَيُّوبِ...» (۱)

ترجمه: «و این سلسله امامت را به پسر او (محمد د)

کامل گردانم که بر جهانیان رحمت است، او دارای کمال
موسی و روشنی عیسی و صبر ایوب است...»

همانطور که ذکر شد «باب» در کتاب

تأیید لوح جابر دلائل سبعة (۲) خود حدیث لوح

جابر را نقل کرده است علاوه بر او

میرزا حسینعلی بهاءالله در کتاب ایقان (۳) و شوقی افندی

در کتاب قرن بدیع (۴) حدیث لوح جابر را نقل نموده

و مورد تأیید و تصویب قرار داده اند.

۱ - اصول کافی ترجمه کمره‌ای جلد ۲ صفحه ۶۰۸

۲ - کتاب دلائل سبعة تألیف «باب» صفحه ۴۷

۳ - کتاب ایقان (۱۹۹ صفحه‌ای) تألیف بهاءالله صفحه ۱۹۰

۴ - کتاب قرن بدیع تألیف شوقی جلد ۲ صفحه ۵۳

آقای میرزا حسینعلی بهاء‌الله نوری

تحریر میرزا مازندرانی پس از آنکه لوح جابر

حسینعلی بهاء را تأیید می‌فرمایند با تحریفات ناروا به

نقل آن می‌پردازند از آن جمله اینک:

صدر لوح - که شامل نام مبارک پیامبر عظیم‌الشان اسلام و یکایک

ائمه طاهرین بدویژه معرفی و ذکر مشخصات حضرت محمد بن

الحسن العسكري قائم موعود اسلام است - بدست مبارک !!

آقای میرزا حسینعلی تقطیع (۱) می‌شود و از ذکر آن خود -

داری می‌فرمایند یعنی از تمام لوح فقط به چند جمله آخر آن

اکتفا می‌نمایند تا بتوانند در سایه حق، باطل خود را دنبال

کنند و بجای حضرت محمد بن الحسن العسكري عليه السلام که

لوح بنام و نشان آن بزرگوار صراحت کامل دارد آقای میرزا

علیمحمد باب پسر میرزا رضای شیرازی را معرفی نمایند!!

نکته بسیار جالب آنکه: آقای میرزا حسینعلی

همین روایت و نظائر آن را که بدست و قلم خود تحریرش

کرده‌اند مهمترین و محکمترین دلیل !! بر قائمیت «باب»

بشمار آورده و از ایمان نیلوردن مستماریان اظهار تعجب
و حیرت نموده میفرمایند :

«... باری تحیر است از این عباد که چگونه با

این اشارات واضحه لائحه از حق احتراز نموده اند!» (۱)

حال که خوانندگان محترم با سبک

مشت نمونه استدالات آقای میرزا حسینعلی بهاءالله

خروار است آشنا شدند میتوان گفت که : اکثر

بلکه تمام دلائل رهبران بهائیت یا

تقطیع است یا تحریف است و یا جعل !!!

افسوس که سخن به درازامی کشد و بنای ما در این

گفتار بر اختصار است و گرنه با آوردن نمونه های

دیگری از امانت و صداقت این مدعیان !! مطلب

جالبتر می شد !! ولی به حکم : در خانه اگر کس است

یک حرف بس است سخن را کوتاه کرده و به مشت کد نمونه

خروار است قناعت می کنیم.

ارزیابی سخنان ((باب))

مردم مسلمان زیر بار دعوت «باب» به

شیعه و باب عنوان با بیت و نیابت خاصه ترفتنند زیرا

معتقد بودند - همچنانکه باب هم در

ابتدا عقیده داشت - امام دوازدهم منحصرأً چهار نایب خاص

داشته (۱) که چهارمین آن در سال ۳۲۹ هجری دارفانی را

وداع کرده است بدینجهت بود که شیعه دعوت او را نپذیرفت

ممکن است شما برسید اگر شیعه به

شیخیه و باب «باب» ایمان نیاورده پس چه کسی

باو گرویده است ؟

پاسخ شما را میرزا حسینعلی بهاء الله می دهد :

«حزب شیخ احسائی (۲) به اعانت الهی عارف شدند

۱ - کتاب بیان فارسی بخش مبهمات و اصطلاحات ص ۲

تالیف ، باب ،

۲ - شیخ احمد احسائی مؤسس و رهبر فرقه شیخیه است .

به آنچه دون آن حزب از آن محروم و محجوب مشاهده
گشتند « (۱)

بنا برین اکثر افرادی که بد «باب» گرویده‌اند پیروان
شیخ احمد احسائی بوده‌اند آنهم تحت عنوان نیابت خاصه
حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه‌السلام!!!

باب در برابر اشکالات توده مسلمانان

باب و اسلام از اقامه برهان شکست می‌خورد و

برای گرفتن انتقام چاره‌ای جز نسخ

اسلام (۲) نمی‌اندیشد در آنجا که میرزا حسینعلی بهاء الله

از قول باب نقل می‌کند: «در مقامی می‌فرمایند:

اگر اعتراض و اعتراض اهل فرقان نبود هر آینه

شریعت فرقان در این ظهور نسخ نمی‌شد...» (۳)

۱- کتاب لوح ابن الذئب (یعنی گریک زاده) که بنام لوح

مبارک خطاب به آقا نجفی مجتهد اصفهانی بدستور محفل بهائیان

چاپ و نشر شده صفحه ۸۸

۲- همین «باب» که اسلام را نسخ می‌کند در صفحه ۵

کتاب صحیفه عدلیه اش می‌گوید: حلال محمد (ص) حلال است

تا روز قیامت و حرام محمد (ص) حرام است تا روز قیامت

۳- اقتدارات تالیف میرزا حسینعلی بهاء الله صفحه ۴۷

« باب » پس از نسخ اسلام به قدر

نگارش بیان می افتد کتابی بنویسد که شامل

دستورات و احکام جدید و تازه !!

باشد ولی این عمل توأم با عصبانیت ناشی از اعتراض

مسلمانان جامعه عمل به خود می پوشد لذا دستوراتی عجیب

و شکفت و دهن کجی هائی !! بسیار تازه و نو در کتاب

بیان فارسی و عربی برشته تحریر در می آید که واقعاً هر

خواننده منصف را سخت دچار تحیر و تعجب می سازد

فکر می کنم مشتاق آشنائی با احکام « باب » شده باشید ، بله؟

« باب » احکام نجاسات و طهارات را

در چند جمله شیوا !! خلاصه

می فرماید: «مظاهری که مطهر است...»

مطهرات

از نظر «(باب)» نفس کتاب الله هست همین قدر که

تلقاء آیدای از آن واقع شد شیئی که

عینیت در او نباشد طاهر می گردد . « (۱) »

یعنی : کتاب بیان پاک کننده است همین قدر
يك آیه از آن را بر چیز نجسی که عین نجاست نداشته
باشد بنمایانند فوری پاک میشود و نیازی به آب و
شستشو ندارد ! ! و باز میفرماید : « ثالث » اسم الله هست که
شصت و شش مرتبه ، که الله اطهر بر شیئی خوانده
شود طاهر می گردد . !! (۱)

بنا برین اصلا در زندگی آب لازم نیست مگر برای
نوشیدن زیرا تمام نجاسات و کثافات با گفتن ۶۶ بار الله اطهر
طاهر می گردد !!

« باب » چون از اهل دانش و

مسلمانان سخت ناراحت و عصبانی

مژده

به دانشمندان !! بوده لذا دستور می دهد :

« فِي حُكْمِ مَحْوِ كُلِّ الْكُذْبِ كُلِّهَا إِلَّا مَا أَنْشَأَتْ أَوْ تَنْشِئُ فِي
ذَلِكَ الْأَمْرِ... » (۲)

۱- کتاب بیان فارسی تالیف باب صفحه ۱۷۴

۲- همین کتاب صفحه ۱۹۸

ترجمه : « در حکم نابود کردن تمام کتابها بنامی !!
مگر آنچه نوشته شده یا نوشته می شود در باره این امر،
که مراد او بابت است و نیز در این زمینه سفارش مهمتری
نموده می فرمایند :

«لَا يَجُوزُ التَّدْرِيسُ فِي كُتُبٍ غَيْرِ الْبَيَانِ» (۱)

ترجمه: «جز کتاب بیان کتابهای دیگر را نباید تدریس
کنند.» با این حکم ها باید نویدی به دانشگاههای جهان
داد و گفت : مژده باد ، مژده باد !!! طبق این احکام باید
تمام کتابهای شما را محو و نابود کرد !! و شما از زحمت
مطالعه و تدریس علوم خلاص خواهید شد !! و...
فقط در دانشکده ها می خوانند :

برنامه جهانی
۱- همه چیز پاک و حلال است حتی... (۲)
«باب»
۲- اگر مردی نتوانست خانمش را
ببار دار کند حلال است با

۱ - کتاب بیان فارسی تألیف «باب» صفحه ۱۳۰

۲ - کتاب بیان عربی به قلم «باب» صفحه ۴۶

اجازه شوهرش با مرد دیگری که هم مسلک آنها است
همبستر شود و از او بار بگیرد!! (۱)

۳- شیر خر نخورید و سوار گاو نشوید!! (۲)

۴- باید تمام ثروت افرادی که به کتاب بیان ایمان

نمی آورند بگیرید!! (۳) و تمام آنها را از بین ببرید و

احدی را زنده نگذارید!! (۴)

۵- هنگامی که استاد قصد دارد شاگردش را تنبیه

کند بایستی بسیار بسیار آرام مجازاتش کند و اگر معلمی

بیش از پنج ضربه خوب بزند نوزده روز خانمش بر او

حرام می شود!! (۵)

و چنانچه این استاد ازدواج نکرده باشد باید نوزده

مقال طالا بعنوان جریمه پردازد (۶)

۶- هیچکس حق ندارد بیش از نوزده جلد کتاب

۱ - کتاب بیان فارسی به قلم د باب ، صفحه ۲۹۸

۲ - کتاب بیان عربی به قلم د باب ، صفحه ۴۹

۳ - کتاب بیان فارسی به قلم «باب» صفحه ۱۵۷

۴ - لوح هیکل الدین به قلم «باب» صفحه ۱۵

۵ و ۶ - کتاب بیان عربی صفحه ۲۵ و ۲۶ بقلم «باب»

داشته باشد چنانچه کسی تمرد کند باید نمونه‌اش ~~تاریخ~~
جریمه بدهد!! (۱)

صدها حکم دیگر نظیر احکام مزبور در دو کتاب
بیان عربی و فارسی به چشم می‌خورد که از نظر اختصار به
چند نمونه مزبور اکتفا می‌کنیم.

بہائیان در جواب دستورات مشعشع!!

راه فرار مزبور می‌گویند: « ما بہائی

ہستیم و کتاب بیان عربی و فارسی

مربوط بہ « باب » و بسایان است « اینان می‌اندیشند کہ

بازکر چنین عبارات می‌توانند از این ناراحتی کہ

دامگیرشان شدہ فرار کنند!!

ما از ایشان می‌پرسیم ، اگر « باب » آئینی کاملتر

از آئین اسلام در اختیار بشر گذارده چرا هنگامی کہ

احکامش نقل میکرد ناراحت گشته و در پی گریز گاہ

دست بدامن بہانہ‌ہای گوناگون میشوند؟

آیا با این وصف چگونه میتوان احکام « باب » را

۱ - کتاب بیان عربی بقلم «باب» صفحہ ۵۵

— که مشتی از خروارش نمایانده شد — دستورات الهی و
شریعت آسمانی شمرد؟

آخر مگر نه آنست که شریعت و آئین جدید
بایستی از دین قدیم آراسته‌تر و یا لا اقل برابر
آن باشد؟

پس چرا کتاب بیان عربی و فارسی حاوی دستوراتی
است که دائماً بهائیان از شنیدن آن رنج می‌برند و همواره
می‌کوشند که از این گرداب بلا رهایی یابند؟

ولی غافل از آنند که رهبرشان

آقای میرزا حسینعلی نوری **بهاءالله**

و امضای بیان مازندرانی ملقب به (بهاءالله)

یکی از مریدان سرسخت آقای «باب»

بوده بارها، مکرراً مرقوم فرموده اند که آثار باب

«مخصوصاً بیان فارسی در این ظهور امضاء شده

است !!» (۱)

۱ — کتاب اقتدارات تالیف میرزا حسینعلی بهاءالله صفحه ۴۵

و نیز بهاء الله در لوح احمد، مجتهد

باب و بیان علی محمد باب و کتاب بیان او را مورد
از نظر بهاء الله تأیید قرار داده می فرماید :

« **قُلْ يَا قَوْمِ فَاَتَّبِعُوا حُدُودَ اللَّهِ الَّتِي فُرِضَتْ
فِي لَبَّائِنِ مِنْ لَدُنْ عَزِيزٍ حَكِيمٍ. قُلْ اِنَّكَ لَسُلْطَانُ
الرُّسُلِ وَكِتَابَهُ لَا مَرُّ الْكِتَابِ ... » (۱)**

ترجمه : « بگوای امت من حدود و احکامی را که
در بیان از طرف خدای عزیز و حکیم (۲) واجب شده است
پیروی کنید . بگو براستی « باب » پادشاه پیامبران
و کتابش البته مادر کتابهاست !! »

بنا برین تمام بهائیان موظفند - همانند رهبر شان
بهاء الله - نسبت به کتاب بیان و آقای باب نهایت خلوص و
وارادت را رعایت نمایند و در صورت تمایل به دستوراتش !! عمل
فرمایند !

۱ - کتاب صلوة و صیام صفحه ۶۱ و ۶۲ تالیف اشراق

خاوری مبلغ بهائیت ۲ - مرادش «باب» است .

سخن آخر

قرآن می فرماید : (ای رسول ما) بندگان ما را مرده
ده، آنان که سخن را می شنوند و بهترین آن را پیروی می کنند،
ایشانند که خدا (به لطف و یثراء خود) رهبریشان فرمود و هم
آنان در حقیقت خردمندان جهانند ! (۱)

آری چنین است ، هر عاقلی بر خود واجب میدانند
که درباره آراء و عقاید ملل جهان بحث و بررسی کامل
به عمل آورد و راه حق را - که بیش از یکی نیست - برگزینند

و به جان و دل بپذیرد تا در برابر وجدان خود شرمنده و
شرمسار نباشد. مادر این مقام از هم نوعان بهائی خود دوستانه
تقاضا و انتظار داریم چنانچه حاضر نیستند سخن ما را
بشنوند لا اقل به تعلیم اول خودشان که به عبارت :

« تحری حقیقت و ترک تقالید »

گفته شده جامه عمل بپوشانند .

تحری حقیقت یعنی طلبیدن و خواستن آنچه حق و
حقیقت است ، چه بهتر که انسان قدری از تعصبات
بی مورد چشم بپوشد و در پی کشف حقیقت که
موجب سعادت ابدی است بپا خیزد ،

خدا هم در قرآن مژده یاری داده می فرماید :

« آنان که در راه (شناسائی) ما بکوشند البته ما

راه (معرفت) خودمان را به آنان می نمایانیم . »

سوره ۲۹ - آیه ۶۹

ای جوانان بهائی!

ای کسانی که خود را پیرو تعلیم تحریری حقیقت می دانید با نگاهی به گلستان جاوید (۱) و آمار در گذشتگان مجالات اخبار امری خویش، قدری بنخود آئید، طوری به تحقیق پردازید که وجدانتان قانع شود و روحتان آرامش پذیرد و خاطر تان نگران فردای پس از مرگ نباشد.

بِهائنه داشتن مبلغ، بار راسبك نمی کند و سلب

مسئولیت نمی نماید!!

بیائید خود را برای دادگاه انفرادی الهی آماده کنید

آنجائی که پدر و مادر و مبلغ راه ندارند

۱ - بهائیان گورستان خود را به نام گلستان جاوید،

می نامند.

آنجائی که انسان تنها در برابر محرمه ای سر -
می گیرد !

آنجائی که پرده از روی اسرار دل و اعمال همه ما
برداشته میشود !

آنجائی که نه پول بدانجاراه دارد و نه پارتی !
پروردگارا به تمام افرادی که به نام انسان در صفحه
گیتی زیست می کنند ، آن لیاقت و شایستگی عنایت فرمای
که به حقایق درخشان و مقدسات جهان آفرینش بگردند
و از تمام پلیدی ها که موجب محو شخصیت است ، پرهیز
کنند .

به امید دیدار آن روز پر شکوه

مزید تشکر است که برای هر گونه :

پرسش ، فرمایش ، انتقاد و تذکر

با

صندوق پستی شماره ۶۱ مشهد

مکاتبه فرمائید.